

تجلی اربعین حسینی از منظر ولایت‌مداری

دکتر فاطمه اردو^۱

دکتر الهه عرب‌زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۲

چکیده

واقعۀ اربعین حسینی در سایه ولایت و ولایت‌مداری تبیین می‌شود. در این نوشتار با استناد به آیات و روایات به صورت تحلیلی-تبیینی سعی بر آن بوده تا این واقعۀ به نحو شایسته بررسی و تحلیل شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پدیده اربعین حسینی روشن‌گر مکتب اسلام و بیانگر فرهنگ عاشورایی است. ایام اربعین تداعی‌گر واقعۀ کربلا است. واقعۀ ای که تمام عالمیان در عزای آن ماتم گرفته و پیوسته گریستند. در این ایام همه زائران از اقصی نقاط جهان به سوی مقصدی واحد حرکت می‌کنند. از آنان فریاد عدالت‌خواهی و بیزاری از شرک، کفر، ظلم و فساد به عرش الهی می‌رسد. شعائر اربعین سرشار از مکارم اخلاقی است و به همگان از هر دین و مسلکی که باشند، انسانیت را تعلیم می‌دهد. با استناد به این نتایج می‌توان گفت که پدیده اربعین به ما می‌آموزد که رشد و تعالی آدمی تنها با

۱. دکتری مدیریت آموزش عالی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران F.ordoo@ut.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، تهران (نویسنده مسئول). e14arabzadeh@gmail.com

ولایت‌مداری حجت خدا در روی زمین به کمال می‌رسد. در حقیقت، جانشین خداوند متعال، مظهر سلطه و قدرت عادلانه الهی است و همه فعالیت‌های فکری و عملی را رهبری و تدبیر می‌کند. در مقابل ولایت طاغوت و شیطان و پذیرش آن عین گمراهی و ضلالت است. با ولایت خداوند و جانشینان او، اتحاد، انسجام و استقلال مسلمین عملاً تبلور می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: اربعین حسینی، امر به معروف و نهی از منکر، سوگواری، ولایت‌مداری.

مقدمه

نهضت عظیم و ماندگار ابا عبدالله الحسین علیه السلام با شور و حرارتی که در قلوب مؤمنین ایجاد کرده^۱ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۰/۳۱۸)، خیل عظیم و بی‌شماری از مردم را در طول تاریخ به سوی خود کشانده است. در واقع رسالت ما در پاسداشت نهضت عاشورا، تأکید بر پیوند ذاتی عواملی همچون شناخت امام حسین علیه السلام و آموزه‌های تربیتی نهضت عاشورایی ایشان برای پیروی از حضرت مهدی علیه السلام است. این تأکید موجب در نظر گرفتن ملاک‌های شیعه در مواردی همچون؛ گریه، عزاداری، پوشیدن لباس سیاه، سینه زدن، زنجیر زدن و نذری دادن می‌شود. از همه اینها مهم‌تر، سنت پیاده‌روی اربعین حسینی در طول تاریخ تشیع به عنوان یک منسک مذهبی نشان‌دهنده تأکید بر احیای جریان عاشورا است. اهمیت زیارت اربعین تا حدی است که مطابق نقل کتب معتبر شیعه، یازدهمین پیشوای شیعیان اثنی عشری امام حسن عسکری علیه السلام آن را یکی از نشانه‌های پنجگانه مؤمن به مذهب شیعه خوانده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۵۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۲/۵۸۹).

عزاداری امام حسین علیه السلام و پیاده‌روی اربعین حسینی سنتی بسیار پسندیده و ضروری است؛ آنچه می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، این است که شیعه زمانه با ملاک‌های

۱. إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا.

عقلانی، دینی و سیاسی انسانی همچون آزادی، عدالت خواهی، عامل به معروف بودن، ناهی از منکر بودن، صداقت، پایبندی به عهد و پیمان، و سایر فضایل و مکارم اخلاقی و دینی، در عمل آماده ظهور امام عصر علیه السلام شود.

در واقع نزدیک شدن امر ظهور مستلزم آمادگی و زمینه سازی برای آن است. طبق روایتی (شیخ صدوق، ۱۳۷۰) به فرموده امام صادق علیه السلام، امر ظهور محقق نمی شود مگر آنکه هریک از شقی (همچون یزیدی ها، عبیدالله بن زیادها، آل ابی سفیان ها، آل زیادها و آل مروان ها) و سعید به نهایت کار خود برسند.

امویان تا پیش از واقعه عاشورا نسبت به موضوع مهدویت رویکرد سکوت داشتند، هرچند که تمایلات مهدوی در میان مردم کمتر به چشم می خورد، پس از واقعه عاشورا و زوال قدرت یکپارچه و فراگیری بیداد و ستم، این موضوع در میان جامعه اسلامی به تدریج مطرح شد (برادران و همکاران، ۱۳۹۵).

پیشینه پژوهش

غیائی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «واکاوی اثرهای مناسک دینی در زیست خانوادگی؛ مورد مطالعه آیین پیاده روی زیارت اربعین حسینی» مطرح کرده اند که یکی از الگوهای زیست خانوادگی مؤمنانه در جریان زیارت شکل می گیرد که خصوصاً در چند سال اخیر در ایام اربعین حسینی بهتر خود را نشان داده است. این نوشتار با استفاده از روش کیفی پدیدارشناسی و در پاسخ به پرسش مناسک دینی و آئین های مذهبی همچون آئین پیاده روی اربعین حسینی چه اثراتی در زیست خانوادگی دین داران می تواند برجای بگذارد؟، صورت پذیرفته است. یافته ها به تبیین و تشریح تأثیرات پنجگانه؛ (۱) عقلانیت تمدن ساز، (۲) ظرفیت کارآمدی قابل توجه در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، (۳) ایجاد پویایی و حیات مبتنی بر محبت، (۴) تثبیت و تقویت هویت الهی، و (۵) هماهنگی عناصر مختلف خانواده پرداخته است.

۱. کلیات مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت عاشورا؛ «... اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَتَايَ لَهٗ عَلٰى ذٰلِكَ...».

پژوهش صولتی و مرتضوی (۱۴۰۰) به این مبحث پرداخته‌اند که هویت، امری در حال شدن و بسترشکل‌گیری آن زندگی جمعی است. یکی از نشانه‌های هویت در ایران واقعه عاشورا است که در ذهن و ضمیر شیعیان دارای اعتبار و حجیت است. لذا پدیده «پیاده‌روی اربعین» به عنوان نشانه‌ای از هویت فرهنگی، به شکل تازه‌ای بروز یافته است. این پژوهش با اتخاذ تبارشناسی و با تکیه بر مؤلفه‌هایی چون انقطاع، نظام دانایی، جایگاه قدرت و مقاومت، همنشینی قدرت با دانش و حقیقت به تحلیل دوگفتمان عمده هویتی پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. سپس به صورت‌بندی جدید هویت فرهنگی و چگونگی گسست و بروز آن همت گماشته است. در انتها با فرارفتن از دوگانه‌های ایرانی - اسلامی برای فهم هویت ایرانی، ضمن تبیین تبارشناسی پدیده فرهنگی و نوظهور پیاده‌روی اربعین، به این نتیجه رسیده است که هرچند هویت‌ها برساخته و بازآفریده نظام دانایی عصر خود هستند اما امروزه تک‌ساحتی کردن هویت خطاست.

مقاله علوی علی‌آبادی و جوانشیر (۱۳۹۹) که با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی صورت پذیرفته است، چگونگی رابطه تربیتی جامعه‌المصطفی با اربعین و دستاوردهای آن را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه ۶۰ مقوله جزئی از اطلاعات ارائه شده توسط مشارکت‌کنندگان استخراج شد که این زیرمقوله‌ها در چهار ساحت مهم تربیتی (تربیتی اعتقادی، تربیت عبادی معنوی، تربیت عاطفی و اخلاقی، تربیت اجتماعی و سیاسی) طبقه‌بندی شدند. نتایج مطالعه حاکی از آن بود که پیاده‌روی اربعین حسینی حداقل در چهار ساحت تربیتی برای جامعه‌المصطفی تأثیرگذار بوده است. در پژوهش بیات و قاسمی (۱۳۹۹) نیز یافته‌ها حاکی از آن است که آئین پیاده‌روی زائران اربعین در هفت محور؛ روایت‌گری مستند، تفرقه‌افکنی و شیعه‌هراسی، بحران بی‌نظمی و ناتوانی دول عراق و ایران، ناامنی داعش و مانور سیاسی حاکمیت ایران و موکداً به عنوان حرکتی سیاسی - عقیدتی در اخبار سایت بی‌بی‌سی بازنمایی شده است. از نوع بازنمایی مناسبات میان دو کنشگر حاضر در این مراسم، استنباط می‌شود که اینگونه انگاره‌سازی منفی از این رویداد مذهبی در ادامه جریان

شیعه‌هراسی در رسانه‌های غربی به ویژه نمود جدیدی از ایران‌هراسی است. پرویش (۱۳۹۸) در مقاله‌اش با روش کتابخانه‌ای - اسنادی به بررسی ظرفیت‌های تمدن‌سازی در جهان اسلام با تکیه بر پیاده‌روی اربعین پرداخته است. وی معتقد است یکی از مهمترین ظرفیت‌های تمدنی اسلام در طول تاریخ، اربعین حسینی است که توانسته الهام‌بخش والگوساز در احیای تمدن اسلامی باشد، به آن دلیل که مسیر صحیح را از مسیر غلط روشن می‌سازد. آنچه در چند سال اخیر چشم جهانیان را به خود خیره کرده است و پتانسیل زیادی برای نشان دادن تمدن نوین اسلامی دارد، پیاده‌روی اربعین است. ظرفیت‌هایی که ابعاد گوناگونی از جمله مذهبی، فرهنگی و سیاسی می‌تواند داشته باشد. بدون شک مهمترین ظرفیت اربعین حسینی همگرایی جوامع اسلامی است. پیاده‌روی اربعین مختص یک مذهب یا فرقه نیست، بلکه خیل عظیمی از مردم تحت لوای پرچم اسلام در آن حضور دارند.

یافته‌های پژوهش حسینعلی عربی (۱۳۹۸) نیز حاکی از آن است که مراسم اربعین، یک فرصت و سرمایه عظیم اجتماعی برای جهان اسلام است که کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی، نظامی و امنیتی بی‌شماری دارد. از جمله کارکردهای این اجتماع عظیم بشری می‌توان به نمایش اقتدار جهان اسلام، رساندن پیام‌های عاشورا به جهانیان، دیدار چهره به چهره مسلمانان و افزایش هم‌افزایی در زمینه‌های گوناگون، کاهش کشمکش‌ها و اختلافات اشاره کرد. پژوهش غفاری و آقایی (۱۳۹۷) صحت این فرضیه را تأیید می‌کند که می‌توان پیاده‌روی اربعین حسینی را به مثابه یک جنبش اجتماعی با تمامی مؤلفه‌های آن در نظر گرفت. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه جنبش‌های اجتماعی چارلز تیلی و با استفاده از روش کیفی تحلیلی - توصیفی صورت پذیرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که پیاده‌روی اربعین در چارچوب این نظریه، جنبش عظیم اجتماعی است که مؤلفه‌های استمرار ستادها، بهره‌گیری از طیفی از تظاهرات عمومی و همچنین ابزار عمومی با چهار مشخصه ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد در آن به نحو بارزی تجلی یافته است.

پژوهش حاضر با استناد به آیات و روایات به صورت تحلیلی - تبیینی و بر اساس

تحلیل اربعین و رابطه آن با «ولایت و ولایت‌مداری» به انجام رسیده است. سعی نویسندگان بر آن بود تا با تحلیل موضوع، بزرگداشت اربعین حسینی توسط مسلمانان و غیرمسلمانان را تبیین کنند.

واقعه عاشورا

عاشورا فرهنگی برآمده از متن اسلام است که نقشی حیاتی در استحکام ریشه‌ها، رویش شاخه‌ها و رشد میوه‌های آن ایفا کرده است. قیام عاشورا از سال ۶۱ هجری تا به امروز الهام بخش بسیاری از نهضت‌های حقّ علیه باطل بوده است. روز دهم محرم، روز شهادت سالار شهیدان، فرزندان و اصحاب باوفای اودر کربلاست. عاشورا در تاریخ جاهلیت عرب از روزهای عید رسمی و ملی بوده و در آن زمان، این روز را روزه می‌گرفتند. گفته‌اند (شریف‌القرشی، ۱۳۹۶: ۱۷۹/۳) علت نامگذاری روز دهم محرم به عاشورا آن است که ده نفر از پیامبران با ده کرامت در این روز، مورد تکریم الهی قرار گرفته‌اند.

از قرن‌ها پیش، عاشورا به عنوان تجلّی روز درگیری حق و باطل و نیز روز فداکاری و ایثار در راه دین و عقیده شناخته شده است. حسین بن علی علیه السلام در این روز با یارانی اندک ولی با ایمان و صلابت و عزتمند با سپاه سنگدل و بی‌دین حکومت ستمگریزیدی به مقابله برخاست و کربلا را به صحنه آزادی و حرّیت مبدّل ساخت. عاشورا اگرچه یک روز بود، دامنه تأثیر آن تا ابدیت استمرار دارد و چنان در عمق وجدان‌ها و دل‌ها اثر گذاشته که همه ساله دهه محرم و به ویژه روز عاشورا، اوج عشق و اخلاص نسبت به معلم حرّیت و اسوه جهاد و شهادت حسین بن علی علیه السلام می‌شود، تا جایی که حتی غیرشیعه در مقابل عظمت روح آن آزاد مردان سر تعظیم فرود می‌آورد (محدثی، ۱۳۷۴: ۲۷۷). جریان عاشورا بزرگترین نقش‌سازنده را در تاریخ اسلام ایفا کرد که تعلیم حرکت، نهضت، مقاومت و استقامت به همه انسان‌ها در همه اعصار است.

عزاداری معصومین علیهم السلام در ماتم سالار شهیدان

امام سجاد علیه السلام یکی از حاضران خونین کربلا در سال ۶۱ هجری بودند و از نزدیک

شهادت پدر بزرگوارشان، عموی عزیزشان حضرت عباس و برادرانشان حضرت علی اکبر و علی اصغر علیهما السلام و شهادت تمام یاران امام علیه السلام و برخی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و بنی هاشم را در کربلا مشاهده کردند. ایشان عمق فاجعه دردناک این حادثه و هتک حرمت اهل بیت علیهم السلام و اسارت آنها را به خوبی درک کردند. امام سجاد علیه السلام ندای «هل من ناصرني ينصرني» را می شنیدند و با آن که از شدت بیماری در بستر افتاده بودند، می خواستند به سوی میدان بروند که امام حسین علیه السلام به خواهرش امّ کلثوم فرمودند: «اورا نگه دار که از نسل پیامبر در زمین باقی بماند» (مجلسی، ۱۴۰۹: ۴۶؛ بهبهانی، ۱۴۰۹: ۴/۳۳۴).

امام زین العابدین علیه السلام به همراه عمه‌ها و خواهران خود و سایر بنی هاشم اسیر شدند و فشارهای روحی و روانی سختی را متحمل شدند. ایشان برای ابلاغ پیام سیدالشهداء علیه السلام خطبه‌هایی را ایراد کردند و در این کار بردشمن پیروز شدند و به همراه عمه‌شان زینب در جامعه غفلت زده انقلاب دیگری را برپا ساختند. نه تنها امام سجاد علیه السلام با به یاد آوردن روز عاشورا و خاطرات پدر، یاران و برادرانشان اشک می ریختند، بلکه آسمان‌ها (مجلسی، ۱۴۰۹: ۴۵/۲۰۶-۲۰۷)، زمین (همان، ۲۱۸)، حیوانات وحشی، جمادات، نباتات و مجردات اعم از جتّیان (همان، ۲۰۶-۲۰۷) و ملائکه (همان، ۲۲۰، ۲۲۹) در عزای سالار شهیدان گریستند و این ماتم مدت‌ها ادامه داشت.

روزی غلام امام سجاد علیه السلام گفت: ای پسر رسول خدا! حزن و اندوه شما کی تمام می شود؟ امام علیه السلام فرمودند: وای بر تو! یعقوب نبی با اینکه دوازده پسر داشت، در فراق یوسف به قدری گریست که چشمانش نابینا شد و اینک من که شاهد شهادت پدر و عمویم و هفده نفر از اهل بیتم بودم چگونه حزنم تمام شود؟ (همان، ۶۳)

عزاداری امام باقر علیه السلام در کتاب نهضه الحسین آمده است: با آمدن ماه محرم، حزن و اندوه در اهل بیت نبوی نمایان می شد و آنان از شعرا می خواستند تا برای سالار شهیدان امام حسین علیه السلام مرثیه سرایی کنند (ابن قولویه، ۱۳۷۵: ۱۱۱-۱۱۴). همچنین در کامل الزیارات ابن قولویه آمده است که امام باقر علیه السلام در روز عاشورا به سوگواری برای امام حسین علیه السلام امر فرموده‌اند و در خانه‌شان مجلس عزا برپا می داشتند (علوان و شهرستانی، ۱۳۸۲).

روایات زیادی در ارتباط با عزاداری امام صادق علیه السلام وجود دارد. ایشان از شاعران می‌خواستند که برای جدّشان مرثیه سرایی کنند و آنان را برای این امر مقدس تشویق می‌کردند و اهل بیت او از پس پرده به مرثیه سرایی شاعران گوش می‌دادند و اشک می‌ریختند (صفایی حایری، ۱۳۷۹/۱: ۵۶۶؛ کمره‌ای و ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۰۵).

در رابطه با عزاداری امام موسی کاظم علیه السلام به نقل از امام رضا علیه السلام آمده است؛ هنگامی که محرم فرا می‌رسید هرگز با خنده و تبسم دیده نمی‌شدند و ده روز اول محرم اینگونه بود و زمانی که روز عاشورا فرا می‌رسید، روز مصیبت و حزن و گریه ایشان بود. ایشان می‌فرمودند: عاشورا روزی است که جدّم حسین علیه السلام را شهید کردند (علوان و شهرستانی، ۱۳۸۲: ۱۳۲؛ کمره‌ای و ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۱۱).

دعبل خزاعی در خصوص عزاداری امام رضا علیه السلام می‌گوید: در ایام دهه محرم به محضر آقا و مولای خود علی بن موسی علیه السلام در مرو شرف‌یاب شدم و آن حضرت را در حالی که اصحابشان دور ایشان نشسته بودند، محزون یافتم. وقتی حضرت من را دیدند فرمودند: مرحبا بر تو دعبل! مرحبا بر کسی که با دست و زبان خود ما را یاری می‌کند. سپس حضرت مرا در کنارشان جای دادند و فرمودند: ای دعبل! دوست داری شعر بخوانی؟! زیرا این روزها ایام غم و اندوه بر ما اهل بیت و روز شادی دشمنان ما به ویژه بنی‌امیه است. سپس برخاست و پرده‌ای بین ما و اهل بیتشان زدند و آنان را پشت پرده نشانده تا بر مصیبت جدّشان امام حسین علیه السلام گریه کنند. آنگاه روبه من کرد و فرمود: ای دعبل! مرثیه بخوان! تو یاور ما و مرثیه سرای ما هستی تا زمانی که زنده‌ای (مجلسی، ۱۴۰۹: ۲۵۷/۴۰). در این هنگام دعبل مرثیه سرایی کرد (همان، ۱۷۵/۴۰).

عزاداری در زمان چهار امام دیگر سیر صعودی و گاه نزولی داشت. برای نمونه در زمان امام جواد علیه السلام تا حدی امکان عزاداری برای شیعیان فراهم بود و این حالت تا زمان معتصم ادامه داشت. اما پس از آن سیر نزولی یافت و شیعه برای عزاداری تحت فشار بود (همان، ۱۳۶/۴۰-۱۳۷). در این دوران عزاداری در ایام محرم بیشتر از ماه‌های دیگر بود. در زیارت ناحیه مقدسه منسوب به امام عصر علیه السلام حضرت می‌فرماید: «به قدری بر تو گریه می‌کنم که

اگر اشکم تمام شد، به جای اشک از چشمانم خون جاری می‌شود».^۱

اربعین حسینی

واژه اربعین در متون دینی، حدیثی و تاریخی کاربرد زیادی دارد. آثار حفظ چهل حدیث، بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در چهل سالگی، دعای چهل نفر، کمال عقل در چهل سالگی، گریه چهل روز زمین، آسمان و فرشتگان بر امام حسین علیه السلام، استحباب زیارت اربعین و نظایر اینها از مواردی است که جایگاه این واژه را در معارف اسلامی بیان می‌کند (پاک‌نیا، ۱۳۸۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر غفاری در رابطه با جایگاه والای مؤمن در جهان فرمودند: «ای ابوذر! هنگامی که مؤمنی از دنیا می‌رود، زمین تا چهل روز برای فقدان او گریان و عزادار است» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۶۵). در بین ائمه معصوم، امام حسین علیه السلام تنها امامی هستند که اربعین دارند. به عبارتی اربعین حسینی سند مظلومین و حقیقت ایشان در عرصه کشمکش حق و باطل است.

به حرکت مسلمانان به سمت شهر کربلا به منظور جمع شدن همه آنها در چهلمین روز شهادت امام حسین علیه السلام پیاده‌روی اربعین گفته می‌شود. تجلی بزرگداشت این روز از زمان سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ ظهور و بروز جدیدی یافته است (صولتی و مرتضوی، ۱۴۰۰) و رونق فعلی آن به اهتمام علمای بزرگی همچون آیت الله سید محمود شاهرودی (۱۲۹۳-۱۳۹۴ ش)، زعیم حوزه نجف ایجاد شده است که نزدیک به دویست و شصت مرتبه با پای پیاده از نجف به کربلا حرکت کردند (غفاری و آقایی، ۱۳۹۷).

در ایام اربعین همه مردم از اهل سنت و شیعه و نیز ادیان دیگری همچون مسیحی و یهودی و کسانی که معتقد به دین و آیینی نیستند و خواهان عدل و عدالتند، حضور دارند. زائران حسینی با ابراز محبت، گذشت، فداکاری و ایثار، نوع دوستی را به یکدیگر

۱. متن کامل زیارت ناحیه مقدسه در بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۵ الی ۷۲ آمده است که نام شهیدان را یکایک می‌شمارد و سلام می‌دهد. شایان ذکر است که مرحوم فیض الاسلام در کتاب ترجمه خاتون دوسرا، زندگی حضرت زینب علیه السلام در ص ۲۱۷ آورده است که زیارت ناحیه مقدسه از امام حسن عسکری علیه السلام و تاریخ صدور آن سال ۲۵۲ ق و ولادت امام زمان در سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ است والله اعلم.

نشان می دهند. در ایام اربعین خبری از حرص و طمع، خودپسندی، کبر و غرور، حسد، تحقیر و تمسخر نیست. از ذایل اخلاقی به دورند و از تعلقات دنیوی بریده اند. در این ایام عبودیت الهی کاملاً محسوس و مشهود است.

شعائر اربعین بیانگر فرهنگ متمدن اسلام و تفکر این مکتب است که در این ایام با کنش های همدلانه، مهرورزی و صمیمیت زائران و پذیرایی موکب ها و میزبانی مشتاقانه مردم با محبت عراق، وزین ترمی گردد. موج جمعیتی با شمایل و نژادهای مختلف که از قشر و طبقه ای خاص نیستند و در یک مسیر و به سوی یک مقصد واحد حرکت می کنند و حامل پرچم هایی با رنگ های مختلفند و هر رنگ مفاهیم و معانی گوناگون دارد که دلالت بر استدعای ملت مساننه ظهور صاحب الزمان علیه السلام به اذن الهی و قیام مهدوی می کند. گویی در روز عاشورا؛ روز شهادت سالار شهیدان امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و یاران باوفای ایشان، بذر عدالت خواهی و نفرت از شرک و کفر و ظلم و ستم در دل و جان زائران حضرت قوت و نیرو می گیرد و پس از چهل روز در اربعین حسینی نهال این بذر آشکار شده و قد علم می کند.

اصطلاح ولایت

ولایت از موضوعاتی است که در مذهب شیعه از اهمیت خاصی برخوردار است. این موضوع در قرآن کریم بسیار مورد تأکید قرار گرفته است (احزاب/ ۳۳، مائده/ ۳، ۶۷، بقره/ ۲۰۷، قصص/ ۵، آل عمران/ ۶۱، هود/ ۸۶، رعد/ ۴۳، انسان/ ۸-۹، شوری/ ۲۳، واقعه/ ۷۹، فجر/ ۲۸). از مهمترین آیات در این زمینه آیه ولایت است؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/ ۵۵)؛ سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را

۱. برای مثال؛ «پرچم سیاه» نشانگر غم و اندوه بر مظلومیتی است که بر امام حسین علیه السلام وارد شد و عزاداری سالار شهیدان و اهل بیت و یاران باوفای ایشان. «پرچم سرخ» آمادگی از حریم ولایت، خون خواهی سید و سالار شهیدان و شهادت. «پرچم سبز» خواستاری صلح، آرامش و امنیت، انتظار موعود نجات بخش صاحب الزمان علیه السلام و گویای اقامه دادخواهی از ظلمی که بر امام حسین علیه السلام وارد شد.

برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند).

از نظر دانشمندان واژه «ولی» دارای دو معنای عمده است و بقیّه معانی به این دو بازمی‌گردد؛ ۱) سرپرست و صاحب، ۲) ناصر و یاور. در آیه ۵۵ سوره مائده، «ولی» به معنای «سرپرست و صاحب اختیار» است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱/۱۰۰۰). نکته دیگر آن که از نظر مذهب شیعه، دوازده امام ولیّ خدا هستند و اطاعت از آنان به عنوان «أولی الامر» واجب است و راه سعادت، پیروی مطلق از ولی عصر است.

واکوی ولایت و مفهوم ولایت‌مداری

همانگونه که حکومت تکوینی در قدرت و سلطه پروردگاریکتاست و با اراده قاهره او همه چیز تنظیم می‌شود حکومت قانونی و تشریحی هم در اختیار اوست و قوانین زندگی ما انسان‌ها و روابط فردی و اجتماعی مان هم می‌بایست مُلهم از شارع مقدس باشد تا با اجرای قوانین، روابط افراد جامعه در مسیر درستی پیش رود. در آیه شریفه ۶۸ سوره آل عمران آمده است: الله ولی مؤمنین است. یعنی حاکم و فرمانروای قانونی در جامعه الهی اسلامی قرآنی فقط خداوند متعال است.^۱

آیه شریفه ولایت^۲ بیان می‌دارد که خداوند ولی ماست و به فرمان الهی، پیامبر ﷺ و علی بن ابیطالب علیه السلام دارای ولایت هستند. در آیه شریفه اطاعت^۳ نیز تبیین ولایت نبی

۱. «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ؛ سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هستند که از او پیروی کردند، و (در زمان و عصرا، به مکتب او وفادار بودند؛ همچنین) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند (از همه سزاوارترند)؛ و خداوند، ولیّ و سرپرست مؤمنان است» (آل عمران/ ۶۸).

۲. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند» (مائده/ ۵۵).

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [= اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است» (نساء/ ۵۹).

اکرم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وائمه معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است و نیز کسانی که واجد معیارها و ملاک های خاص الهی هستند و پروردگار حکیم برای حفظ نظم و مصلحت جامعه مسلمین و نیز اخلاق حسنه، آنها را منصوب می کند و اطاعت از آنها ضرورتی اجتناب ناپذیر است.^۱

مسلمان شیعه از واژه «ولایت» با قداست یاد می کند و همواره از پروردگاریکتا که مظهر ولایت است، می طلبد که او را با ولایت بدارد و با ولایت بمیراند. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلا يَءِةَ وَلى الله فَيُؤَالِيهِ وَيَكُونُ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ مِنْهُ إِلَيْهِ، مَا كَانَ عَلَى الله حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَلا كَانَ مِنْ أَهْلِ الإِيمَانِ؛ اِگر فردی شب را نماز گزارد و روزه بگیرد و تمام اموال خود را صدقه بدهد و تمام عمر خود را حج بجای آورد، ولی ولایت ولی خدا را نشناسد تا که از او پیروی کند و تمام کارهایش به راهنمایی او باشد، نه خداوند به او پاداشی خواهد داد و نه چنین فردی از اهل ایمان است».^۲

و نیز می فرماید: «قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَأَعَدَّ بَنَ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللهِ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَلا عُفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللهِ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً؛ خدای تبارک و تعالی فرموده است: هر آینه عذاب میکنم هر رعیتی را که در اسلام با پیروی از امام ستمگری که از جانب خدا نیست دینداری کند، اگر چه آن رعیت نسبت به اعمال خود نیکوکار و پرهیزگار باشد و هر آینه در میگذرم از هر رعیتی که در اسلام با پیروی از امام عادل از جانب خدا دینداری کند، اگر چه آن رعیت نسبت به خود ستمگرو بدکردار باشد (کافی، کتاب عقل و جهل، حدیث ۴)».

انسان با پیروی محض از امام و رهبری الهی که خداوند تبارک و تعالی منصوب فرموده است، و اجتناب از هر آنچه موجب تضعیف ولایت مداری می شود، می تواند فکر و روان توحیدی خود را زندگی ساز و عمل زا کند. در واقع پویایی قوی «ولایت» با امامت امامی

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».

۲. کافی، کتاب الایمان الکفر، باب دعائم الاسلام، ح ۵.

است که مظهر «ولایت الله» باشد. و با اشاعه خوبی‌ها (امربه معروف) و زدودن بدی‌ها و بحران‌های نابسامان (نهی از منکر)، جامعه بشریت را به هدف آفرینش سوق دهد. تجلی ولایت یک جامعه در آن است که ولی مشخص باشد، افراد جامعه او را بشناسند و از فیوض و انوارش بهره برند.

در قرآن کریم هر ولایتی غیر از ولایت خداوند به عنوان ولایت طاغوت معرفی شده است.^۱ طاغوت آن کسی است که انسان را از کامل شدن انسانیت می‌اندازد و چنان تصرف می‌کند که سبب می‌شود آدمی با آیین غیر خدا زندگی کند و در ظلمت بدی‌ها غرق شود.^۲ به عبارتی دیگر طاغوت مفهومی عام است و می‌تواند هر عاملی بیرونی باشد که انسان را از صراط مستقیم منحرف می‌کند. در آیه شریفه ۷۶ سوره نساء طاغوت به جای شیطان و شیطان به جای طاغوت نام برده شده‌اند^۳ و شیطان همان عنصر خارج از وجود آدمی است که او را به شرارت، فساد، انحطاط، زبونی و پستی، ظلم و بدی و می‌دارد^۴ و گمراه و سرگشته

۱. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمت‌ها، به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوت‌ها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمت‌ها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند» (بقره/۲۵۷).

۲. «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» ... (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوت‌ها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمت‌ها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند» (بقره/۲۵۷).

۳. «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت [= بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است» (نساء/۷۶).

۴. «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می‌دهد؛ و به فحشا (وزشتی‌ها) امر می‌کند؛ ولی خداوند وعده آمرزش و فزونی به شما می‌دهد؛ و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست (به همین دلیل، به وعده‌های خود، وفا می‌کند)» (بقره/۲۶۸) و نیز: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَدْرَأُونَ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد؛ و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده‌است. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی‌کنند، و) متذکر نمی‌گردند» (بقره/۲۶۹).

می‌کند. کسی که در ولایت غیر خدا وارد شود، به خداوند شرک ورزیده است و شرک، ظلمی عظیم است که موجب محرومیت مشرک از هدایت و مغفرت می‌شود. یعنی آن زخم‌هایی که به سبب پذیرفتن ولایت طاغوت بر روح او وارد شده، التیام نمی‌یابد.

تجلی اهداف «ولی خدا» در حماسه حسینی

امام حسین علیه السلام در وصیت خود به برادرش محمد بن حنفیه پس از شهادت به یگانگی خداوند و رسالت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَأَنْتِ لَمْ أَخْرَجِ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مَبْصِرًا إِيَّيْ لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أُمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ مَنْ بَرَى سِرْكَشِي وَعَدَاوَتِي وَفَسَادِي وَظَلَمِي كَرْدَنَ مِنْ مَدِينَةِ خَارِجِ نَشْدَمِ. بَلَكِ جَزَائِنِ نَيْسْتِ كِه مِنْ بِه مَنْظُورِ إِصْلَاحِ أَمْرَاتِ جَدِّمِ خَارِجِ شَدَمِ، مِي خَوَاهَمِ كِه أَمْرِبِه مَعْرُوفِ وَنَهِيْ أَزْ مَنْكَرِ نَمَايِمِ وَمَطَابِقِ سِيرِه جَدِّمِ رَسُولِ خُدَا صلی الله علیه و آله وَپِدْرَمِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام رِفْتَارِ نَمَايِمِ» (مجلسی، ۱۴۰۹: ۴۴/ ۱۹۹). حضرت در واقع محورهای عمده جهان شمول اهداف الهی را اینگونه برشمردند: اجتناب از هواهای نفسانی، به تعبیر بهتر جهاد با نفس (جهاد اکبر)؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ احیای آموزه‌های وحیانی؛ آزادگی و آزادی از هرگونه ظلم و ستم؛ احترام به کرامت ذاتی انسان؛ گسترش و تأکید بر ارزش‌های انسانی؛ لزوم دستگیری از مظلوم؛ عدم بیعت با حکومت طاغوت؛ اصلاح مفاسد و انحرافات.

با تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت ولی‌ای که به اذن الهی منصوب شده، تحقق

۱. «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ أَيَا نَدِيدِي كِسَانِي رَا كِه گمان می‌کنند به آنچه (از کتاب‌های آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند، و به بیراهه‌های دور دستی بیفکند» (نساء/ ۶۰) و نیز، «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا؛ خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد! و پایین‌تر از آن را برای هر کس (بخواد و شایسته بداند) می‌بخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است» (نساء/ ۴۸).

این اهداف تسهیل می‌شود. اهدافی که در همه اعصار و برای همه ملت‌ها حیات بخش و سعادت آفرین است و متعلق به زمان و مکان خاصی نیست، اهدافی که هیچگاه تغییر نمی‌کند و منطبق با فطرت پاک بشری است.^۱ همانگونه که هرچه زمان بیشتری از نهضت عاشورا می‌گذرد، افق‌های تازه‌تری از اهداف ازلی وابدی ابا عبدالله حسین علیه السلام آشکار می‌شود. برای ورود به منطقه امن الهی انسانیت و صعود به تکامل از مسیر فطرت طبیعی و مطابق با سرشت انسان‌ها می‌بایست جدّ و جهد و تلاش دائم در سایه ولایت ولیّ خدا باشد. مسلمان مؤمن بصیر وقتی در مقام عمل و اعتقاد، تسلیم محض در برابر حق باشد، همه امکانات، قدرت و استعدادش را در اختیار ولیّ خدا قرار می‌دهد، در آن صورت خداوند متعال چنین مؤمنان متعهدی را بشارت می‌دهد^۲ و شیطان نمی‌تواند بر آنها چیره شود.^۳

ولایت مداری اصحاب امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در خطبه شب عاشورا خطاب به یارانش می‌فرماید: «من یارانی بهتر از شما سراغ ندارم... هر یک از شما دست یکی از خانواده مرا بگیرد و در تاریکی شب پراکنده شوید و مرا با ایشان واگذارید؛ زیرا که آنان با غیر از من کاری ندارند» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۱۲۷). حضرت عباس بن علی و پس از ایشان، اصحاب دیگر متفق القول به امام زمانشان پاسخ دادند: «ما برویم و اماممان بماند؟... زندگی پس از تو هرگز!». این جواب بیانگر انس و الفت حاکم بین آنان بود که موجب جاذبه و دافعه آنها بود؛ جاذبه انس و

۱. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَدِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند!» (روم/۳۰).

۲. «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ توبه‌کنندگان، عبادت‌کاران، سپاسگویان، سیاحت‌کنندگان، رکوع‌کنندگان، سجده‌آوران، آمران به معروف، نهی‌کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان!» (توبه/۱۱۲).

۳. «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الدِّينِ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ که البته شیطان را هرگز بر کسانی که به خدا ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل و اعتماد می‌کنند مسلط نخواهد بود» (نحل/۹۹).

الفت میان خودشان ودافعه غلظت و شدت در برابر دشمنان اسلام، همان جاذبه و دافعه‌ای که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشتند.^۱ در واقع اصحاب حضرت با همراهی امامشان تا شهادت، نفرت و بیزاری خود را از هرگونه رفتار جاهلانه و ظلم و ظلمت اعلام کردند. یاران امام عَلَيْهِ السَّلَام در زمانی که حرین یزید ریاحی با هزار سرباز می‌خواست برای انجام مأموریتش امام عَلَيْهِ السَّلَام را نزد عبیدالله بن زیاد ببرد، فرمان امامشان^۲ را که فرمود: «این گروه را سیراب کنید و به اسبانشان آب دهید»، اطاعت کردند.

اصحاب أباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام بارزترین مؤمنان راستین ولایت‌مداری بودند که به فرمان خداوند در آیه ۵۹ سوره نساء عمل کردند و ولایت ولی خدا را به نیکوترین وجه اجابت نمودند. ولی خدا که ولایت الهی را به اذن پروردگار حکیم دارد، مظهر قدرت‌های عادلانه الهی روی زمین است و از بروز هر نوع جلوه موزیانه ظلم (همچون کفر، شرک، تعدی، خودپسندی و غرور) ممانعت می‌کند و همگان را به طور مساوات به سوی بندگی خالق یکتا فرامی‌خواند.

ولایت‌مداری نیز به معنای عدم وابستگی و پیوستگی جامعه مسلم به غیر مسلم و به تعبیر بهتر استقلال به دوران‌زوی سیاسی و اقتصادی؛ و انسجام و ارتباط تنگاتنگ عناصر مسلمان در برابر تعارض و دشمنی‌های موجود و احتمالی و

۱. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَيْزِقٍ أَخْرَجَ شَطْرُهُ فَأَزْرَهُ فَأَسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و برپای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است» (فتح/۲۹).

۲. امام عَلَيْهِ السَّلَام با عمل به آیه ۳۴ سوره فصلت بدی را با خوبی پاسخ دادند؛ «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!» (فصلت/۳۴)

یکپارچگی وحدت جامعه مسلمین آنگونه که خداوند فرموده است: فقط با حاکمیت و ولایت تنها ستون و رکن اصلی این انسجام و استقلال یعنی «ولی الله» محقق می شود.

نتیجه

پدیده «اربعین حسینی» بارزترین مصداق وحدت مسلمین و زمینه ساز قیام مهدوی است. در این ایام صفوف زائرین از نژادهای گوناگون و قافله‌وار از هرکوی و سرزمین به سمت کربلا به اشکال مختلف در حرکت هستند و موکب‌هایی با شور و شوق، صمیمانه و بدون توقع، خدمت‌رسانی و همدلی می‌کنند. نماد برجسته شگفت‌انگیز اربعین حسینی، یادآور تجلی ولایت و حکومت بقیه‌الله الأعظم است که در حال حاضر یار و یاور مخلص می‌طلبند. به طور قطع، تحقق چنین جامعه‌ای مستلزم پرهیز همه آحاد و جناح‌های مسلمان از هرگونه تشّت و تفرق (انسجام و اتحاد) و نیز اجتناب از هر نوع رابطه، پیمان و موذتی است که جهان اسلام را در خطر مودیانه فرودست شدن قرار می‌دهد. لازمه این اتحاد، انسجام و استقلال مسلمانان، وجود یک قدرت متمرکز، مسلط و تبلور یافته عناصر مثبت و سازنده است که محور اساسی همه فعالیت‌ها و نشاط عمومی جامعه مسلمین است. همچنین ولایت‌مداری عملی امام و پیشوایی که مصدر پویایی و الهام‌بخش حیات طیّبه است. چنین امری با شناخت و معرفت امام و اطاعت محض از او معنا می‌یابد. خداوند حکیم به صراحت و با زیبایی هر چه تمام‌تر در آیاتی همچون آیات ولایت و اطاعت، این بصیرت را به همگان می‌آموزد. در تاریخ اسلام خاطرات زیادی از شهرکوفه به جای مانده است، شهری که علی بن ابی طالب علیه السلام با بیعت مردمش برای حدود چهار سال مسئولیت ولایت و حکومتش را بر عهده گرفت و آن شهر را تبدیل به مهد تشیع و زادگاه اصالت‌ها و فضایل شیعی کرد، به گونه‌ای که مردان بزرگ حماسه‌آفرینش در تاریخ شیعی بیشتر از همه جا حتی بیشتر از شهر مدینه بود و مایه رُعب و هراس حکومت‌های زمانه‌اش شد؛ لیکن طاغوت‌ها و طاغوتیان، شیطان‌ها و شیطان صفت‌ها با تبلیغات مسموم و ترویج فقر، مردم را به سمت فساد و انحطاط

کشاندند^۱ و عُمَّال ظالم جائر غدار اجازه ندادند تا انسان‌های طیب و پاک سرشت آن شهر، زمینه‌های حاصل خیزشان را در آن منطقه بگسترانند. به تدریج عامه مردم نیز تحت تأثیر تبلیغات مذبوحانه آنان که منشأ بدی‌ها بودند، قرار گرفتند. شرایط بد کوفه به جایی رسید که بزرگان آن شهر به صورت دعوت رسمی از امام حسین علیه السلام، ملتسمانه خواستار ولایت و حاکمیت ایشان شدند؛ لیکن در پاسخ به لیبیک امام علیه السلام، در جنگی نابرابر و ظالمانه در برابر امام زمانشان ابوعبدالله الحسین علیه السلام صف‌آرایی کرده و آن فاجعه دردناک صورت گرفت. اکنون زمان آن است که با استدعای ملتسمانه ظهور امام مهدی علیه السلام وارد عمل شده و همچون یاران امام حسین علیه السلام رفتار نماییم. یارانی که بهترین الگو بودند و تعداد اندک خود را در برابر لشکر کفر می‌دیدند ولی با توکل به خداوند متعال و پذیرش ولایت امام زمان خود، ایشان را یاری می‌کردند و عاشقانه تا سرحدّ شهادت شتافتند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، *إقبال الأعمال*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد (۱۳۷۵)، *کامل الزیارات*، تهران، چاپ صدوق.
- برادران، رضا و همکاران (۱۳۹۵)، «بررسی تحلیلی رویکردهای امویان به مسأله مهدویت»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۶(۲۴)، صص ۵-۲۵.
- بهبهانی، محمدباقر بن عبدالکریم (۱۴۰۹ق)، *دمعه الساکبه فی أحوال النبی صلی الله علیه وآله والعترة الطاهرة*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- بیات، قدسی و مرضیه قاسمی (۱۳۹۹)، «بازنمایی ارتباطات آئینی در فضای مجازی: بازنمایی پیاده‌روی اربعین حسینی در وب سایت بی‌بی‌سی فارسی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۳(۲)، صص ۳۷-۶۵.
- پرویش، محسن (۱۳۹۸)، «بررسی ظرفیت‌های تمدن‌سازی در جهان اسلام با تکیه بر

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَادَ الْفُقْرَانُ يَكُونُ كُفْرًا...؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه بسیار نزدیک است که فقر، کفر باشد.... (کلینی، ۱۳۶۹: ۲/۳۰۷).

- پیاده‌روی اربعین»، تمدن اسلامی و دین پژوهی، ۱(۲)، صص ۳۰-۴۷.
- شریف القرشی، باقر (۱۳۹۶ق)، *حیات الامام الحسین بن علی (ع)*، قم، دارالکتب العلمیه.
- شیخ صدوق (۱۳۹۹ق)، *معانی الاخبار*، بیروت، دارالمعرفه.
- صفایی حایری، عباس (۱۳۷۹)، *تاریخ الشهداء (ع)*، قم: مسجد مقدس جمکران.
- صولتی، حسین و سید خدایار مرتضوی (۱۴۰۰)، «تبارشناسی هویت در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: تبارشناسی پیاده‌روی اربعین حسینی)»، جامعه شناسی سیاسی ایران، ۴(۳)، صص ۲-۲۵.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، *کتاب الخلاف*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- عربی، حسینعلی (۱۳۹۸)، «پیاده‌روی اربعین حسینی؛ جایگاه و کارکردها»، معرفت، ۲۶(۷)، صص ۴۵-۵۴.
- علوان، نبیل‌رضا و سید صالح شهرستانی (۱۳۸۲)، *تاریخ الناحیه علی الامام الشهدید الحسین بن علی (ع)*، تهران، انصاریان.
- علوی علی آبادی، فاطمه سادات و عباس جوانشیر (۱۳۹۹)، «پدیدارشناسی رویکرد تربیتی جامعه‌المصطفی العالمیه در پیاده‌روی اربعین حسینی»، مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، ۶(۱۲)، صص ۲۳۳-۲۶۲.
- غفاری هاشجین، زاهد و محمد آقایی (۱۳۹۷)، «پیاده‌روی اربعین حسینی به مثابه جنبش اجتماعی»، دانش سیاسی، ۱۴(۱)، صص ۱-۲۱.
- غیائی فتح آبادی، هادی و همکاران (۱۴۰۰)، «واکاوی اثرهای مناسک دینی در زیست خانوادگی؛ مورد مطالعه آیین پیاده‌روی زیارت اربعین حسینی»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۲(۵۶)، صص ۲۱۹-۲۳۳.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹)، *کلیات مفاتیح الجنان*، تهران، دفتر نشر الهادی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، *اصول الکافی*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۴)، *الکافی*، قم، موسسه جهانی خدمات اسلامی.
- کمره‌ای، محمد باقر؛ ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *امالی شیخ صدوق*، تهران،

کتابچی.

- مجلسی، علامہ (۱۴۰۹ق)، بحار الانوار، بیروت، انتشارات اسلامیہ.
- محدثی، جواد (۱۳۷۴)، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، آیات ولایت در قرآن کریم، قم، نسل جوان.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، خاتمہ مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسہ آل البيت علیہم السلام لإحياء التراث.

